

فقه

# ادوار کیفیت بیان فقه

□ محمدابراهیم جنجانی

## □ پیشگفتار

ادوار فقه، اولیات مبانی فقه، مدارس فقه، ادوار کیفیت بیان فقه و ادوار اجتهاد از موضوعاتی هستند که شاید برای اندیشمندان و دانشپژوهان، تازگی داشته و تاکنون کسی آنها را مورد بحث و بررسی قرار نداده باشد.

این عناوین چندی پیش از سوی دوستی به من پیشنهاد شد که رد خواسته او برایم بس مشکل بود. از اینرو نگارنده در مدتی نه چندان طولانی مباحث فوق را مورد تحقیق و بررسی قرار داده که انشائالله به تدریج آماده نشر خواهد شد.

بحث حاضر که به زبان فارسی نوشته شده و به سبب موانع و عوارض گوناگون فرصتی برای نگاه دوباره و تجدید نظر در آن حاصل نشده است، بی تردید مصون از خطا و نقصان نخواهد بود.

از اینرو از محققین و اندیشمندانی که در اینگونه ابـحـاث تخصصی دارند، تقاضا دارم که به دور از طریقه عاطفی سنتی، با انتقادات، پیشنهادات و رهنمودهای خود، در صورتی که مربوط به مقصد بحث و مقاله باشد، دربابی که نشریه کیهان اندیشه برای آن گشوده است نویسنده را مدد رسانند که این راهی است بسیار

برفایده برای زدودن خطاها و رفع نقصانها. زیرا این نکتهای انکارناپذیر که بخش مهمی از تکامل و پیشرفت علوم اندامی و فقهی و دینیه و اجتماعی و علمی، دینی، اجتماعی و اخلاقی، فقهی و اجتهادی دست یافته و آنرا در جامعه مسازیم. امید آنکه با یاری و همراهی همه فاضلان درست اندیش و دلسوز، به تمامی هدفهای تاریخی، علمی، دینی، اجتماعی و اخلاقی، فقهی و اجتهادی دست یافته و آنرا در جامعه مسازیم. برخود لازم می دانم از مؤسسه کیهان نشریه کیهان اندامی که با تأسیس این نشریه زمینه‌ای برای تبادل افکار و با گشایش باب نقد و انتقاد راهی برای رشد و اصلاح اندیشه‌ها ایجاد کرده است تشکر کنم و توفیق روزافزون مسئولان آنرا از خدای بزرگ مسئلت نمایم.

## ■ مدخل

فقه عبارت است از مجموعه عقواین و احکامی که خداوند منم برای مردم تنظیم فرموده تا بتوانند به طور شایسته‌ای

گوناگون آن بهر دایم، و آن را از دیدگاههای مختلف مورد بحث و کنکاش قرار دهیم. اینک در این مقوله سخن از کیفیت بیان فقه به میان می‌آوریم و ادوار مختلف آنرا معرفی می‌کنیم.

## ■ ادوار کیفیت بیان فقه اسلامی

بدون تردید از آغاز پیدایش اسلام، مسائل فقهی برای مردم تبیین و تفهیم می‌شد تا مردم در برخورد با مسائل مورد ابتلاء خود دچار حیرت و سرگردانی نشوند. این امر در زمان رسول اکرم (ص) توسط خود آن حضرت و اصحاب گرامش بدر زمان امامان (ع) به وسیله خود آن بزرگواران، در زمان غیبت صفرای امام عصر (ع) توسط نواب خاص حضرت، و در زمان غیبت کبری به دست فقهای اسلام که احکام را از منابع آن استنباط نمودند صورت می‌پذیرفت.

گو اینکه در همه این مراحل، مسائل فقهی بیان می‌گشته، لیکن در هر دورهای از زمان، به گونه خاصی بوده است. به عنوان مثال مسائل فقهی‌ای که در این زمان بیان می‌شود گرچه در اصل با فقه زمان تشریح تفاوتی ندارد، ولی طبعاً کیفیت بیان آن در این دو عصر کاملاً با هم متفاوت است، و در این زمان امکان آن وجود ندارد تا فقه به صورت: مان رسول الله (ص) بیان شود. پهنای شدن قلمرو اسلام و گستردگی دامنه مباحث فقهی موجب شده که فقه در این زمان به گونه‌ای متفاوت از شیوه‌های بیان در دوره‌های پیش تبیین گردد. و همینطور است کیفیت بیان در هر دوره نسبت به دوره‌های دیگر.

ما در پی بررسی‌های مختلف درباره کیفیت بیان فقه در مراحل

گوناگون به این نتیجه رسیدیم که از آغاز اسلام تا کنون می‌توان زمان را به شش مرحله تقسیم نمود که فقه در هر دوره به شیوه‌ای خاص بیان می‌شده است. این شش مرحله عبارتند از:

دوره اول: زمان رسول اکرم (ص)، از بعثت تا رحلت.

دوره دوم: از زمان علی (ع) تا عصر فقیه بزرگ شیخ طوسی (ره).

دوره سوم: از زمان شیخ طوسی تا زمان تالیف دهر مرحوم شیخ بهائی (ره).

دوره چهارم: از زمان شیخ بهائی تا عصر شیخ اعظم انصاری (ره).

دوره پنجم: از عصر شیخ انصاری تا زمان میرزا محمد تقی شیرازی و سید کاظم یزدی (قدس سرهما).

دوره ششم: از زمان شیرازی و یزدی تا عصر حاضر. تلاش ما بر این است که در این نوشتار، ادوار فوق را یکایک مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم و موارد اختلاف هر دوره را با دیگر ادوار متذکر شویم. بدیهی است که در لا بلای آن، ویژگی‌های هر مرحله نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ش و ستایش کنند، و در زندگی مادی و معنوی خویش از س و آرامش کاملی برخوردار شوند، و از خطر گمراهی اف مضمون و در امان باشند.

فقه تنها یک جنبه از ابعاد گوناگون زندگی انسان را در نظر می‌گیرد، بلکه ناظر به تمامی جوانب زندگی است. از اینرو هر چه با انسان رابطه دارد، بگونه‌ای در فقه مورد بحث و بررسی گرفته و حکمی برای آن بیان شده است. این ویژگی موجب شده که علم فقه به عنوان یکی از مهمترین و مقدسترین علوم دینی به شمار آید که بیانگر همه جوانب و گسترده اسلام است.

هدف از بعثت پیامبران آشنا ساختن مردم با احکام دین و زندگی است، آنها آمده‌اند تا شیوه تعبد و اطاعت و بندگی مردم بیاموزند. و یک سلسله دستورات الهی را در اختیار بگذارند تا از آن طریق، مشکلات دینی، علمی، فرهنگی مادی مردم حل شود و در هیچیک از امور زندگی با مانعی نشوند و از مسیر حقیق و عدالت منحرف

ند. پیامبران آمده‌اند تا دین را تبلیغ کنند و انسانها را با دین دینی انس دهند. فراگیری احکام دین و پابندی به مسائل رابطه انسان را با معبودش مستحکم می‌سازد و او را به راه ایم هدایت می‌کند. و به همین جهت است که پیشوایان دین از شیوه‌های مختلف و با شیوه‌های گوناگون مردم را به فراگیری مسائل شویق کرده‌اند که در اینجا شایسته است به پاره‌ای از آنها شود:

امام صادق (ع) فرمود: وهل یسال الناس عن شیء افضل من ل و الحرام؟ یعنی آیا چیزی ارزنده‌تر از فراگیری مسائل حلال م هست که مردم درباره آن پرسش نمایند؟<sup>(۱)</sup>

و نیز فرمود: حدیث فی حلال و حرام تاخذه من ادق خیر دنیا و ما فیها من ذهب و فضة: یعنی آموختن سخنی پیرامون و حرام از فردی راستگو، بهتر است از دنیا و سیم وزری که در هفته است.<sup>(۲)</sup>

و از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: لو أتیت بشاب من الشیعة لا یتفق فی الدین لا و جمعة ایه. یعنی اگر جوان ای را نزد من آورند که در صدد فراگیری مسائل دینی خود او را بسختی تنبیه خواهم کرد.<sup>(۳)</sup>

و در حدیث دیگر فرمود: من لم یتفق فی دین الللم یظفر اللعالمیه

تفاهمة ولم یزک له عملاً، یعنی کسی که احکام الهی را خسته باشد، در روز رستاخیز خداوند به او نظر نمی‌افکند، و یک از اعمالش او را سودی نمی‌رساند.<sup>(۴)</sup>

و امام صادق (ع) در حدیث دیگری فرمود: لوددت ان اصحابی رؤوسهم بالنسیاط حتی یتفقوا یعنی خوش داشتم که با هر سر اصحابم زده شود تا احکام دین خدا را بیاموزند.<sup>(۵)</sup>

در همین راستا، فقهای اسلام هم در پیاده شدن این خواسته کوششی درخ نورزیدند، و به شیوه‌های مختلف مردم را به ش فقه اسلامی و احکام الهی فرا خواندند، و چه بسا از راه د، مردم را به تعلم فقه و اداب ساختند، تا آنجا که بعضی فقهاء را که بر یادگیری فقه توانایی داشته باشد و از آن سر بتابد، موم به فسق نمودند.

اینها همه نشانگر اهمیت فراوان این رشته از علوم اسلامی که ما را می‌دارد تا بیش از پیش به بررسی جوانب

## دوره اول: عصر پیامبر، از بعثت تا رحلت

این دوره از زمان بعثت رسول الله (ص) در مکه آغاز می‌شود و تا زمان رحلت حضرت در مدینه، یعنی به مدت بیست و سه سال ادامه می‌یابد.

در ابتدای این دوره که طلوعهٔ پیدایش اسلام و ظهور فقه اسلامی بود، و هنوز دامنهٔ آیین جدید وسعت و گسترش نداشت و مسلمانان جمعیت اندکی را تشکیل می‌دادند، شخص پیامبر بیان مسائل فقه و احکام دین را عهده‌دار بود و در خلال این مدت «منزل ارقم» در مکه به عنوان نخستین مدرسهٔ فقهی اسلام به شمار می‌رفت که همه روزه مسلمانها در آن گرد می‌آمدند، و احکام اسلام را از زبان پیامبر اکرم (ص) می‌شنیدند.

ولی پس از گسترش قلمرو اسلام و افزایش جمعیت پیروان دین جدید، عده‌ای بودند که در مناطقی دور از مرکز اسلام می‌زیستند و به پیامبر دسترسی نداشتند، از اینرو پیامبر اکرم (ص) جمعی از اصحاب را به سوی آنان گسیل داشت تا احکام دین را از طریق نقل سنت به ایشان بیاموزند. گروه اعزامی نیز با دستوراتی از پیامبر به منطقه مزبور می‌شتافت و مسلمانهای آن بخش را به مسائل دینی آگاه می‌نمود.

در اینجا شایسته است به این نکته اشاره شود که مفهوم «سنت» از نظر شیعه و عامه متفاوت است. اهل تسنن، سنت را عبارت از قول، فعل و تقریر پیامبر (ص) می‌دانند، حال آنکه به نظر شیعه، سنت: قول، فعل و تقریر معصوم است، چه رسول الله (ص) و چه ائمه (ع).<sup>(۱)</sup> با توجه به این مطلب و با توجه به اینکه از نظر شیعه بیان فقه در زمان پیامبر و ائمه به نقل سنت بوده است، ادوار بیان فقه از دیدگاه دومذهب اختلاف پیدا می‌کند.

## دوره دوم

این دوره که از زمان امیرالمؤمنین علی «علیه السلام» در حدود سال ۱۱ هجری آغاز و تا زمان مرحوم شیخ الطائفه محمدبن حسن طوسی - طاب ثراه - (۳۸۵ - ۴۶۰ هـ. ق) ادامه یافت، به چند بخش عمده تقسیم می‌شود:

عصر امامان معصوم (ع) که ۲۴۹ سال طول کشید. زمان غیبت صفرای امام زمان (عج) که نواب خاص حضرت، متصدی بیان احکام بودند و ۶۹ سال ادامه یافت.

قسمتی از زمان غیبت کبری که نواب عام امام، یعنی فقهای جامع الشرایط راهنمای مردم را به عهده داشتند که ۱۳۱ سال دوام یافت. تمامی بخشهای این دوره به ۴۴۹ سال می‌رسد.

فقه اسلامی در همه این سالیان از راه نقل سنت و ذکر روایت بیان می‌شده است، و تنها تحولی که در این مدت رخ داده این بوده است که فقه‌های عصر غیبت صفری مانند شیخ کلینی (م ۳۲۸ هـ. ق) و ابن قسولویه (۳۶۸ هـ. ق) و علی بن بابویه قمی، و الشیخ صدوق

(۳۲۸ هـ. ق) «رحمهم الله» همگی در کتبی که برای ارائه می‌نوشتند روایات را درست به همان شیوهٔ زمان ائمه (ع) به ذکر اسناد و تمام خصوصیات دیگر ضبط می‌کردند، ولی غیبت کبری، فقهای شیعه نظیر شیخ مفید و سید مرتضی طوسی و... در نقل حدیث گرچه اصل متن و عین عبارات و روایت را بازگو می‌کردند و بی‌اندازه می‌کوشیدند که عبارت حدیث پدید نیاید، ولی اسناد آن را ناگفته می‌گذارد. کتابهای فقه رضوی و متقن مرحوم شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ) نهایتاً شیخ الطائفه از این قبیل است، شرح انگیزهٔ این امر در مبحث خواهد آمد.

### متصدیان بیان فقه در زمان ائمه (ع)

در این زمان، خود ائمه (علیهم السلام) و برخی از اصحاب ایشان نظیر زراره بن اعین، محمدبن مسلم، ابان بن تغلب، ابان و دیگر چهره‌های برجستهٔ پاران ائمه عهده‌دار این مسند بزرگ بودند، و با کمال دقت مسائل فقهی و احکام دینی را مسلمین بازگو می‌کردند. در برخی از موارد که شیعیان پرسش را از ائمه به عمل می‌آوردند، ائمه آنان را به اصحاب خویش می‌دادند، که مناسب است پارهای از روایاتی را که در این نقل شده ذکر کنیم:

۱- عبدالله بن ابی بعفر گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم چه بسا فردی از شیعیان نزد من می‌آید و سئوالی را مطرح می‌کند و من پاسخ آنرا نمی‌دانم، و از طرفی برای من ممکن نیست ساعت خدمت شما برسم و سئوال را بازگو کنم، (در این مورد تکلیف چیست؟) حضرت در پاسخ فرمود: چه مانعی دارد که محمدبن مسلم تقاضای مراجعه کنی و مسائل را از او بپرسی؟ اینک او پدرم امام محمدباقر (ع) را درک کرده و احکام را فراگرفته، و نزد او فردی آبرومند بوده است.<sup>(۲)</sup>

۲- شعبه عرقونی می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم چه بسا در مواردی نیاز به پرسش پیدا می‌کنم، در این مسائل خود را از چه کسی بپرسیم؟ امام فرمود: از اسدی، ابوبصیر.<sup>(۳)</sup>

۳- علی بن مسیب همدانی به امام رضا (ع) می‌گوید: مرا جای دوری زندگی می‌کنم و نمی‌توانم گاه و بهگاه به خدمت نایل شوم، احکام دینی خود را از چه کسی فرا گیرم؟ حضرت فرمود: از زکریا بن آدم قمی که او برادر دین و دنیا فردی اطمینان و اعتماد است. علی بن مسیب می‌گوید: هنگامی که محل خود باز گشتم، جهت پرسش از موارد احتیاج نزد زکریا می‌رفتم.<sup>(۴)</sup>

۴- عبدالعزیز بن مهدی از امام علی بن موسی الرضا می‌پرسد: من همیشه شما را ملاقات نمی‌کنم، پس امور دینی را از چه کسی بیاموزم؟ امام در پاسخ فرمود: از یونس عبدالرحمن.<sup>(۵)</sup>

و گاهی نیز ائمه (ع) مستقیماً به برخی از اصحاب دستور می‌دادند که فقه را برای مردم بیان کنند، چنانچه

بناظر (ک) به ابان فرمود: در مسجد مدینه بنشین و برای مردم بده، که من دوست دارم فردی مانند تو در میان شیعیانم نمود.

### مان غیبت صفری

در این مدت ۶۹ سال نقل سنت توسط نمایندگان خاص ولی عصر (عجل الله فرجه) انجام می گرفت که عبارت از: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن سمیری، ایشان با حضرت مهدی (ک) در رابطه بودند و دینی را از آن منبع فیاض به مردم منتقل می نمودند.

### مان غیبت کبری

وظیفه بیان مسائل فقهی و نقل سنت در زمان غیبت به عهده جامع شرایط بود که تا زمان شیخ الطائفه، مانند عصر همه (ک) و زمان غیبت صفری تا بازگو کردن روایات این کار انجام می پذیرفت، اما از آن شیوه بیان فقه دگرگون شد، و دیگر تنها در محدوده نقل محصور نماند، بلکه احکام دینی به صورتی علمی و در ضمن کتب فقهی فراهم آمد.

نگیزهای که موجب می شد تا در این دوره، فقه به صورت نقل و روایات معصومین (ک) بیان گردد، این بود که مسلمانها دراز باین سبک انس داشتند و به آن خو گرفته بودند، و برای نظریه کسی که در مقام بیان احکام شرعی ابراز می شد بی قائل نبودند، و اگر فقهای این دوره جواب مسائل شرعی را مانند زمان ما بیان می کردند هرگز از سوی مردم پذیرفته نمی شد، بلکه تنها در صورتی نزد آنان مقبول می افتاد، که پاسخ ضمن روایت و باتمام خصوصیات لفظی آن داده شود. این شیوه، هم در مواردی که سؤالی فقهی پیش می آمد داشت، و هم در زمینه های فقهیه ابتدائاً می خواست شرعی را بیان کند. این روش تا زمان شیخ طوسی ادامه یافت، بلکه در اوایل روزگار او نیز فقه به همین گونه بیان می شد، همین جهت مرحوم شیخ کتاب نهایه خود را که نخستین فتوایی او بود به صورت نقل روایات تنظیم نمود تا مردم آنرا بپذیرند، آنگاه به تدریج بارهنمودهای شیخ که از بزرگترین پتهای آن زمان بود این طرز تفکر دگرگون شد و مردم می یافتند تا احکام دین را به صورت دیگری بپذیرا شوند.

شیخ در مقدمه کتاب مبسوط - که به صورت علمی نوشته با خصوصیت دوره دوم سازگار نیست - به این نکته اشاره کرد که مردم مسائل فقهی را تنها در ضمن روایات می پذیرند و بدین «خیلی مایل بودم برای مردم کتابی را مشتمل بر همه فقهی و احکام دین تنظیم کنم، ولی هیچ میل و رغبتی به این امر در میان آنان احساس نکردم، چه نظر ایشان این احکام و مسائل فقه را باید تنها از راه نقل عبارات و الفاظ و گوئی اخبار به دست آورد، و در این اندیشه بقدری زیاده برده بودند که اگر بدون تخییر در مبنی و مفهوم روایست،

لفظی از آن دگرگون می شد در شگفتی فرو می رفتند، از اینرو نخست دست به کار چنین عمل نشدم.»

و بر همین اساس شیخ طوسی کتاب نهایه را آنطور که معمول و متعارف آن زمان بود و مورد پسند می افتاد به رشته تحریر در آورده، و همه روایاتی را که فقهای پیش از او در کتابهایشان آورده بودند در آن ذکر نمود، و تنها فرقی که کتاب شیخ با سایر کتابهای آن زمان دارد این است که او ترتیب مرسوم را دگرگون ساخته و نهایه را بر اساس ترتیب فعلی ابواب فقه نگاشته است، و همه مسائل هماهنگ و یکسان را در یک جا مورد بحث قرار داده است. با همه این اوصاف، تمام مسائل کتاب را با همان الفاظ و عباراتی که از رسول خدا (ص) و امامان (ک) وارد شده است ذکر کرده تا موجب تعجب و شگفتی مردمی گسه بسندان شیوه عادت کرده بودند نشود.

### رساله های دوره دوم

در این دوره هرگز رساله عملیه ای مانند رساله های این زمان مطرح نبوده است. کتاب «شرایع» عالم بزرگ علی بن بابویه قمی (م ۳۲۸ هـ ق) که آن را بنام (الرساله القالی ابنه) نامید و در تعبیرات

فرزندش شیخ صدوق هم به عنوان رساله آمده است و خود نیز دستور العملی برای مکلفین بوده، لیکن به شیوه رساله های فعلی تحریر نیافته، بلکه تفاوت های عمده ای با آنچه در این زمان به رساله شهرت دارد داشته است، که از جمله می توان به اختلافات ذیل اشاره کرد:

- ۱- در رساله های عملیه کنونی آراء و نظریات مجتهد با عبارات خودش بیان می شود، نه به صورت نقل روایات و اخبار، اما در رساله والد صدوق احکام از طریق روایات بیان شده است، گرچه اسناد آن مد نظر قرار نگرفته است.
- ۲- نوع مسائل و احکامی که در رساله این زمان بیان می شود، اجتهادی و از باب ارجاع فروع به اصول و تطبیق قواعد کلی بر مصادیق است، اما در شرایع علی بن بابویه چنین چیزی نیست، بلکه در آن اصول احکام بیان شده است.

۳- در رساله والد صدوق به بیان احکام و مسائل ضروری اکتفا شده، ولی در رساله های فعلی این چنین نیست.

کتاب دیگری که در این دوره به رساله شهرت یافته و با رساله های عملیه این زمان تفاوت دارد، رساله «جمل العلم و العمل» مرحوم سید مرتضی است که تنها بیانگر احکام ضروری اسلام می باشد. و دیگر رساله «مقنع» شیخ صدوق است که آن نیز فقط در بردارنده روایات فقهی است.

### شخصیت های فقهی این دوره

از فقهای که در این دوره می زیستند و به همین سبک و شیوه، مسائل فقهی را بیان می نمودند عبارتند از:

- ۱- مرحوم محدث بزرگ ثقل الاسلام محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۸ هـ. ق) مؤلف کتاب کافی.
- ۲- مرحوم فقیه بزرگوار ابن ابی عمیر عمانی، معاصر کلینی و مؤلف کتاب «المستمسک بحبل آل الرسول».
- ۳- مرحوم علی بن بابویه قمی پدر شیخ صدوق (م ۳۲۸ هـ. ق) مؤلف کتاب شرایع.
- ۴- مرحوم ابن قولویه (۲۸۵-۳۶۸ هـ. ق) شاگرد شیخ کلینی و استاد ابن جنید و شیخ مفید.
- ۵- مرحوم ابن جنید اسکافی (م ۳۸۱ هـ. ق) صاحب کتابهای «تهذیب الشیعة لاحکام الشریعة» و «المختصر الاحمدی للفقہ المحمدی».
- ۶- مرحوم شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ هـ. ق) مؤلف کتاب «المقنعة».
- ۷- مرحوم سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ هـ. ق) شاگرد شیخ مفید و مؤلف کتابهای «انتصار» و «ناصریات».
- ۸- مرحوم شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ. ق) مؤلف کتابهای «من لایحضره الفقیه»، «مقنعة» و «هدایه».
- ۹- مرحوم ابن براج (م ۴۸۱ هـ. ق) صاحب کتاب «المهذب البارع».

### اولین کتاب فقهی در این دوره

نخستین کتاب فقهی که با مشخصات دوره سوم تألیف است و به جامعه علمی عرضه شده، کتاب «مبسوط» مرحوم طوسی است. کتاب مبسوط، مجموعه بسیار گرانسنگ و نفیس است که نکات فقهی ارزنده‌ای را در بردارد، از این درخشندگی و برجستگی ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، و در دنیای اعیان مختلف جایگاه بسیار بلندی را دارا است. مهمترین ویژگیهای کتاب مبسوط بدین قرار است:

- ۱- تمامی ابواب فقه از باب طهارت تا دیات را در بر
- ۲- اصول همه مسائل و تفریعات گوناگون آن را بیان کرده است.
- ۳- از آنجا که شیخ نخستین کسی است که باب اجتهاد گشود، در کتاب خود توانست فروع بسیاری را متذکر شود. این مطلب را در بحث مستقلی تحت عنوان سیری در ادوار اجتهاد مطرح نمودام.
- ۴- در ترتیب و تنظیم کتاب حسن سلیقه بسیاری اعمال کرده است. این کتاب با مزایای فراوانی که در ادوار مختلف به چشم می‌خورد، جلب کرده است، و اینها همه از احاطه علمی و قریحه مرحوم شیخ طوسی سرچشمه می‌گیرد.

### دوره سوم

آغاز این دوره زمان شیخ الطائفة مرحوم طوسی (۳۸۵-۴۶۰ هـ. ق) است، و به زمان مرجعیت علامه اندیشمند مرحوم شیخ بهایی (م ۱۰۳۰/۱ هـ. ق) خاتمه می‌یابد، و حدود ۵۶۱ سال به طول می‌انجامد. در این دوره احکام الهی و مسائل دینی به شکل پرسش و پاسخ و در ضمن کتابهای فقهی که به صورت علمی تنظیم شده بود بیان می‌شد، و مانند دوره پیش، فقهاء تنها به نقل روایات اکتفا نمی‌کردند، بلکه کتاب را با عباراتی که خود برمی‌گزیدند می‌نگاشتند.

### دومین کتاب

دومین کتابی که به این شیوه تألیف شد، کتاب «جواهر الفقه» است که به قلم رسای شاگرد شیخ طوسی و سید مرتضی مرحوم قاضی ابن براج (م ۴۸۱ هـ. ق) تألیف شده است. این کتاب به صورت سؤال و جواب تنظیم شده که عامل مهمی در تدوین آن است. «جواهر الفقه» مجموع بسیار نفیس و گرانسنگ است که فروع فقهی بسیاری را در بر دارد.

### کتابهای فقهی این دوره

گویانکه در این مرحله کتابهای فقهی بسیاری به رشته تحریر در آمده است، ولی همه به صورتی یکنواخت تألیف نشده است، به عنوان نمونه می‌توان گفت برخی از آنها شامل همه ابواب فقه است، و پارهای مشتمل بر بخشهایی از بحثهای فقهی، بعضی مانند کتابهای انتصار و ناصریات سید مرتضی تنها در بردارنده مسائلی است که شیعه در آن اختلافی ندارد، برخی مثل مختلف علامه شامل مسائل اختلافی شیعه است، و پارهای از کتابهای فقهی نظیر خلاف شیخ طوسی و تذکره مرحوم علامه مشتمل بر مسائلی است که مورد اختلاف میان شیعه و سنی است. جمعی از فقهای این دوره بودند که تنها به نوشتن یک کتاب

### رجال علمی این دوره

پس از مرحوم شیخ طوسی و قاضی ابن براج، فقهای دین این شیوه را ادامه دادند و با تألیف و تصنیف توانستند سبب گذشته را بطور کلی دگرگون سازند و کتابهای خود را که تا آن زمان خصوصیات تازه نگاشته شده بود در محافل علمی و فقهی مطرح کنند. در میان این فقها می‌توان از افراد ذیل نام برد:

■ رساله‌های دوره سوم

در این دوره نیز مانند دوره‌های پیش از رساله‌های عملیه بهسبب زمان ما نشانی در کار نیست، بلکه فراگیری مسائل شرعی از راه کتابهایی بوده است که با به‌صورت علمی تدوین می‌شده و یا در ضمن پرسش و پاسخ (نظیر استفتائات) گرد می‌آمده است. رساله تبصرات‌المعلمین مرحوم علامه حلی گرچه به صورت موجزی تدوین یافته و برای عمل مکلفین تنظیم شده، لیکن دوتفاوت عمده با رساله‌های عملیه این زمان دارد:

اولاً: در تبصره تنها به آراء و نظریات خود مرحوم علامه بسنده نشده، بلکه اقوال دیگران نیز بازگو شده است، حال آنکه در رساله‌های فعلی تنها آراء یک مجتهد بیان می‌شود. ثانیاً: در تبصره فقط فروع فقهی ضروری آمده است، و در آن اشاراتی

به مصادیق قواعد کلی و فروع مورد ابتلا نشده، در حالیکه رساله‌های عملیه زمان ما نوعاً مصادیق و فروع را ذکر کرده است.

مرحوم آیة‌الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (م ۱۳۳۷ هـ. ق.) و مرحوم آیة‌الله سید حسن صدر (۱۲۷۱-۱۳۵۴ هـ. ق.) و مرحوم آیة‌الله العظمی سید محسن حکیم (۱۳۰۵-۱۳۹۰ هـ. ق.) بر آن حاشیه نوشتند. مرحوم علامه تهرانی در الذریعه از کتاب مناسک حج علامه حلی نام می‌برد ولی این کتاب مناسک نیز به سبب کتابهای مناسک فعلی نیست، و در آن بیشتر احکام مسلم و ضروری بیان شده است.

باری، مسلمین در این دوره به یادگیری مسائل شرعی و فقهی خود، اهمیت خاصی می‌دادند، و برای همین منظور همواره به فقها مراجعه می‌کردند و پاسخ مسائل و مشکلات شرعی و مذهبی خود را از ایشان جویا می‌شدند. و آنان نیز با کمال تواضع

● مرحوم ابن زهره اجتهاد را واجب عینی می‌دانست و تقلید را حرام. و ظاهراً همه حلی‌ها دارای همین نظریه بودند. مرحوم میرزا عبدالله افندی اصفهانی (م ۱۱۳۰ هـ. ق.) صاحب ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، و مرحوم ماحوزی بحرانی (م ۱۱۲۱ هـ. ق.) صاحب اشارات، و مرحوم میرزا محمد عبدالله و جمعی دیگر از جمله همفکران او در این مسئله می‌باشند.

● او نماز جمعه را در زمان غیبت کبری واجب عینی می‌دانست. از جمله کسانی که قائل به وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت کبری می‌باشند عبارتند از: مرحوم شهید ثانی (م ۹۶۵ هـ. ق.) (کتابی دارد تحت عنوان وجوب صلوٰة الجمعة)، مرحوم شیخ احمد بحرانی شاگرد مرحوم مجلسی (م ۱۱۰۲ هـ. ق.) صاحب کتاب «بلغه»، مرحوم ملا محمد امین تبریزی (رساله صلوٰة جمعه از اوست الذریعه ۱: ۱۵، ۶۴)، مرحوم مجلسی دوم (م ۱۱۱۰ هـ. ق.)، مرحوم محقق سبزواری (م ۱۰۹۰ هـ. ق.)، مرحوم سید جعفر موسوی اصفهانی (م ۱۱۵۸ هـ. ق.)، مرحوم ملا صاحب حسین اصفهانی (۱۱۲۹ هـ. ق.)، مرحوم ملا محمد رفیع گیلانی (م ۱۱۶۰ هـ. ق.)، مرحوم سید عبدالعظیم استرآبادی، مرحوم شیخ علی برادرزاده شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق، مرحوم مولی‌عبدالالدین (م ۱۰۲۱ هـ. ق.) و مرحوم محمد تنکابی (م ۱۱۲۴ هـ. ق.)

- مرحوم ابوالصلاح حلبی (۳۷۴-۴۴۷ هـ. ق.) مؤلف الکافی فی الفقه.

- مرحوم شیخ سلار بن عبدالعزیز دیلمی (م ۴۶۳ هـ. ق.) کتابهای «الاحکام النبویة» و «المراسم العلویة».

- مرحوم ابن زهره حلبی\* (۵۱۱-۵۸۵ هـ. ق.) صاحب غنیة. مرحوم ابن حمزه (م حدود ۵۰۰ هـ. ق.) نویسنده «الوسيلة الفیضیة».

- مرحوم محمد بن احمد بن ادریس (۵۵۸-۵۹۸ هـ. ق.) کتاب «سرائر».

- مرحوم یحیی بن سعید هذلی (۶۰۱-۶۹۰ هـ. ق.) کتاب «الجامع للشرایع».

مرحوم محقق اول (م ۶۷۶ هـ. ق.) صاحب کتابهای «شرایع»، «المختصر النافع» و «المعتبر».

- مرحوم علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ هـ. ق.) نویسنده «تحریر الاحکام»، «منتهی»، «تذکره الفقهاء»، «تبصرة بن» و غیره.

- مرحوم فخرالمحققین (۶۸۲-۷۷۱ هـ. ق.) صاحب ایضاح القواعد.

۱- مرحوم شهید اول (۷۳۴-۷۸۶ هـ. ق.) صاحب کتاب الدمشقیة، «ذکری الشیعة»، «دروس» و غیره.

۱- مرحوم جمال الدین مقداد بن عبدالله سیوری حلی ه. ق.) مؤلف کتاب «التنقیح الرابع».

۱- مرحوم علاءالدین حلبی (م در اوائل قرن هشتم ه. ق.) کتاب «اشارة السبق الی معرفة الحق فی اصول الدین». این کتاب به سال ۷۰۸ تألیف شد.

۱- مرحوم محقق کرکی (م ۹۴ هـ. ق.) صاحب کتاب المقاصد فی شرح القواعد.

۱- مرحوم شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵/۶ هـ. ق.) مؤلف «شرح لمعه» و مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام.

۱- مرحوم شیخ عبدالصمد، پدر شیخ بهائی\* (۹۱۸-۱۰۰۹ هـ. ق.) صاحب شرح قواعد علامه وحاشیه ارشاد.

۱- مرحوم سید محمد (م ۱۰۰۹ هـ. ق.) صاحب «مدارک فی شرح شرائع الاسلام».

بیان بیان فقه

فقه‌های عالیقدر اسلام در این دوره با تمام تلاش خود فرهنگ فقهی اسلام و گسترش احکام الهی شدند و با مجاهدات خود از میراث گرانبهای سنت نبوی و امامان پاسداری نمودند. و اگر تلاش و کوشش فقها نبود فقهی تبلیغ نمی‌شد و مسلمانان در جریان امر قرار نداشتند، چه بسا تاکنون اثری از فقه اسلامی باقی نمی‌ماند، همه فقهای این مرحله به‌خصوص مرحوم شیخ السطافه طوسی (قدس سره) شایسته همه‌گونه تعظیم و تکریم و تقدیرند.

و فروعی مسائل را تا حدّ مقدور بیان می‌نمودند. آنقدر از فقها پرسش به عمل می‌آمد که با جوابهای ایشان کتاب مستقی تنظیم می‌شد، که از جمله می‌توان «جواهرالفرقه» مرحوم قاضی بن برّاج و رساله‌های جنبلاتیبه و حالیه مرحوم شیخ طوسی را از دوره سوم نام برد.

مطالعه و بررسی در امر رساله‌های پرسش و پاسخ در طی ادوار مختلف بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد تا به طور مستوفی در مورد این قبیل رساله‌ها گفتگویی به عمل آید، و کیفیت تنظیم و تکوین هر یک به صورت مستقی بیان شود. از اینرو در خاتمه این مقال بخشی را به بررسی این نوع رساله‌ها اختصاص خواهیم داد.

## دوره چهارم

این مرحله از زمان علامه دهر مرحوم شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ ه. ق) شروع می‌شود، و تا زمان مرجعیت مرحوم شیخ اعظم انصاری (م ۱۲۸۱ ه. ق) به سال ۱۲۶۶ ادامه می‌یابد مردم در طول این ۲۳۵ سال برای حل مسائل شرعی و رفع مشکلات دینی و جهت آگاهی یافتن به وظایف عبادی خود به رساله‌های عملیه موجود مراجعه می‌کردند، و اگر حکم مسأله مورد استیلا در رساله ذکر نشده بود و یا در فهم و درک آن به اشکال و ابرامی بر می‌خوردند شخصاً به مجتهد مورد تقلید خود مراجعه می‌کردند و نسبت به آن مسأله آشنایی می‌یافتند و یا توسط نامه از مجتهد استفتاء می‌نمودند و از وی می‌خواستند که حکم شرعی مسأله را به طور کامل بیان کند.

برای آشنا شدن با ویژگی‌های این دوره لازم است به چند نکته اشاره شود:

۱- عنوان «رساله عملیه» عنوانی است عام، و به هر نوع مجموعه‌ای که در آن مسائل واحکام دینی مورد استیلا مقلدین ذکر شده باشد اطلاق می‌شود.

۲- در این دوره رساله‌های مختلفی تدوین یافته است، برخی از آنها نظیر رساله «جامع عباسی» مرحوم شیخ بهائی و «احکام الشریعه» مرحوم مجلسی اول، حاوی تمامی ابواب فقه از ابتدای بحث طهارت تا نهایت کتاب دیات است. و پارامی از آنها تنها مسائل ابواب عبادات را در بردارد. و چه بسا رساله‌هایی مشاهده می‌شود که شامل بخشی از ابواب عبادات است، و مثلاً تنها بحث طهارت و صلوٰه و صوم یا صلوٰه و زکات را عنوان کرده است، که از این قبیل می‌توان رساله‌های فقهی مرحوم علامه مجلسی را نام برد. بلکه در این دوره رساله‌هایی تألیف شده است که تنها اختصاص به یک باب از ابواب فقه مثل صوم یا حدود و یا دیات دارد. و حتی بالاتر از این، رساله‌هایی دیده می‌شود که فقط مربوط به یک مسأله فقهی است، و مثلاً تنها مسأله نماز جمعه یا قبله را مطرح کرده است.

۳- رساله‌های عملیه با نوع کتابهای فقهی دوره سوم نظیر کتاب شرایع که به عنوان علم و عمل تألیف یافته تفاوتی دارد که بدین قرار است:

الف: هدف از تألیف رساله‌های عملیه تنها ارائه فتوی حکم الهی است تا بدان عمل شود، لیکن غرض عمده از کتابهای فقهی مطرح کردن بحثهای علمی است که بدان می‌توان نمود.

ب: در نوع رساله‌های عملیه تنها نظر و رأی مجتهد د فقهی مورد بحث، بیان می‌گردد و از ذکر روایات و دیب اجتناب می‌شود و اگر احیاناً روایتی بیاید از باب تیسمن است، نه به منظور ارائه دلیل ومدرک، بخلاف کتابهای فقهی در آنها به روایات استناد و استدلال می‌شود.

ج: رساله‌های عملیه به گونه‌ای تألیف می‌شود که فهم مسائل آن برای عموم به آسانی و سهولت انجام پذیرد، همگان قابل استفاده باشد، اما در کتابهای فقهی چنین رعایت نمی‌شود.

د: در نوع رساله‌های عملیه مسائلی بیان می‌شود که زمان مورد نیاز و ابتلاء باشد، اما در کتابهای فقهی علمی نیست، بلکه از همه مسائل فقهی بحث به میان می‌آید چه ابتلاء و عمل باشد نظیر مسائل نماز و روزه و خمس و زکات غیره، و چه مورد نیاز نباشد مانند مسائل کنیزها و بردگاران.

## نخستین رساله عملیه دوره چهارم

اولین رساله‌ای که با همه مزایا و ویژگیهای این دوره یافته، رساله «جامع عباسی» مرحوم شیخ بهائی است. این یکی از بهترین و ارزنده‌ترین آثار او است که در آن زمان مورد استفاده واقع شد، و اکنون نیز با اینکه بیش از سیصد نگارش آن می‌گذرد بخواهی قابل فهم و درک است.

برای آشنایی بیشتر با کتاب «جامع عباسی» توجه به زیر ضروری است:

الف) این رساله به زبان فارسی و دارای عبارات و جاده و بسیار سلیس و روان و بدون هیچگونه ابهام و پیچیدگی و به همین دلیل با گذشت زمانی طولانی هنوز قابل اسامی می‌باشد.

ب) این کتاب علاوه بر اینکه یک دوره کامل فقه از دیات تا دیات را دربر دارد، در آخر باب ششم، مسائل امر به معروف و نهی از منکر را نیز به سبک جالبی بیان کرده است. از دیگر این باب در رساله‌های عملیه جایی نداشت، تا اینکه آیةالله سید محسن حکیم در رساله «منهاج الصالحین» این جبران فرمود، و از آن پس جای خود را در پارامی از رساله عملیه باز کرد.

ج) رساله جامع عباسی بیست باب دارد که پنج باب از عبادات آن تا آخر کتاب حج را، خود مرحوم شیخ بهائی

است، و سایر ابواب آن به قلم شاگرد میرزش مرحوم ایقاله نظام‌الدین ساوجی (قدس سره) می‌باشد.

گرچه مرحوم شیخ بهائی همت فراوانی داشت که رساله را به برساند و در دسترس عموم قرار دهد، لیکن اجل او را مهلت نداد.

### رساله‌های عملیه مرحوم مجلسی اول

دومین رساله عملیه‌ای که در این مرحله به رشته تحریر درآمده، به خامه شاگرد شیخ بهائی، عارف وارسته و زاهد یگانه مولی محمدتقی، معروف به مجلسی اول (۱۰۰۳-۱۰۷۰ هـ. ق) نوشته شده است. رساله وی «احکام‌الشریعه پنجم» دارد و مجموعه‌ای بسیار نفیس و گرانبها است که شامل همه مسائل فقهی مورد نیاز مسلمین است و یک دوره کامل فقه از طهارت تا دییات را دربردارد، از آنجا که در این رساله فروع مختلفی عنوان شده و در طرح مسائل و تنظیم ابواب آن حسن سلیقه بکار رفته و در تألیف آن اسلوب پسندیده‌ای پیروی شده است، نظر فقها و مراجع بزرگ را به خود جلب کرده، تا اینکه به تعلیق و تحشیه آن پرداختند، و این عمل نشاتگر اهمیت ویژه این کتاب است. از جمله کسانی که بر رساله مزبور حاشیه زده‌اند عبارتند از:

- مرحوم سید اسماعیل صدر (م ۱۳۳۷ هـ. ق)
- مرحوم حاج سید محمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ هـ. ق)
- مرحوم میرزا محمدتقی شبرازی (م ۱۳۳۹ هـ. ق)

این رساله با اینکه نام «احکام‌الشریعه» را بر خود دارد، و در کتابخانه مجلس به همین نام ثبت شده، لیکن چندی قبل توسط انتشارات فراهانی به عنوان یک دوره کامل فقه فارسی بدون اسم خاصی به چاپ رسیده است. (۱۱)

گو اینکه تألیف این رساله را به مجلسی دوم هم نسبت

داد‌اند، ولی تاریخی که در پایان کتاب آمده مانع از صحت این انتساب است. در آخر رساله فوق چنین ذکر شده: تم الکتاب بحون الله الملکانه الوهاب فی احد عشر شهر شوال فی ۱۰۳۹، بنا بر این امکان ندارد که کتاب متعلق به مرحوم علامه محمد باقر مجلسی باشد، زیرا او در سال ۱۰۳۷ بدینا آمده است. (۱۲)

مرحوم مجلسی اول رساله دیگری به نام «حدیقه‌المحققین فی معرفه احکام‌الدین لارتقاء مدارج‌الیقین» دارد، که به زبان فارسی تألیف شده و دارای یک مقدمه، پنج باب و یک خاتمه است، در مقدمه کتاب فضیلت نماز را متذکر شده و در ابواب پنجگانه مسائل طهارت، نماز، خمس و زکات، روزه و حج و زیارات را آورده، و در خاتمه کتاب، برخی از مسائلی مهم معاملات را ذکر کرده است.

طبق تاریخ بعضی از نسخه‌ها تألیف کتاب در سال ۱۰۶۴ به پایان رسیده و نخستین بار به سال ۱۲۶۵ در هندوستان چاپ شده است.

رساله دیگر مرحوم مجلسی اول در باب حج است که فرزندش علامه مجلسی مؤلف بهار الانوار و فرزند دیگرش مولی عبدالله (م ۱۰۸۴ هـ. ق) بر آن حاشیه زده‌اند. نسخه‌ای از این

جامع عباسی در جهان تشیع از شهرت و اهمیت خاصی برخوردار است بویا گذشت زمان هرگز از اهمیت آن کاسته نشده، و همانگونه که در زمان تألیف توجه خاص و عام را به خود کرده بود، اینک نیز همچنان مورد عنایت و توجه علما است. بهترین گواه برای اثبات این مطلب این است که یکی از فقها برای ابراز عقاید فقهی و ارائه نظرات خود به جای کتابی مستقل، تنها به حاشیه زدن و تعلیقه نوشتن بر جامع می‌انگذاشتند. نخستین حاشیه‌ای که بر جامع عباسی نوشته است، حاشیه عالم بزرگ مرحوم ملا حسینعلی اصفهانی (ق. ۱۲۸ هـ. ق) می‌باشد.

مرحوم علامه تهرانی در الذریعه می‌گوید: نسخه قدیمی جامع عباسی را که به سال ۱۰۷۹ تحریر شده بود در کتابخانه عبدالحسین حجت دیدم، که حاشیه مولی حسینعلی اصفهانی مکتوب بود. (۱۰)

این رساله چندین بار به چاپ رسیده، بخصوص قسمت آن که به قلم خود شیخ بهائی است مکرراً در ایران و بوستان به زیور طبع آراسته گردیده است.

متن این رساله بدون حاشیه، در حجمهای مختلف وزیری و در تهران در سالهای ۱۲۳۰، ۱۲۶۳، ۱۲۸۵، ۱۳۰۴، ۱۳۲۲، ۱۳۲۹، ۱۳۳۱ و در لکنه در سالهای

۱۲۹۸، ۱۳۰۵، ۱۳۱۸ و در بمبئی در سالهای ۱۲۹۸، ۱۳۰۱ و در تبریز در سالهای ۱۳۰۹، ۱۳۲۲، ۱۳۵۴ و در بابل سال ۱۳۴۱ چاپ شد.

در بمبئی بسال ۱۳۱۹ با حواشی سید اسماعیل صدر و شیخ علی محلاتی و در سال ۱۳۲۳ با حواشی سید محمد یزدی و در تهران بسال ۱۳۲۵ با همان حواشی سید محمد یزدی و در نجف اشرف بسال ۱۳۴۶ با حواشی شیخ عبدالله نی و در تهران بسال ۱۴۰۳ با حواشی سید اسماعیل صدر و شیخ علی محلاتی چاپ شد.

در اینجا باید متذکر شد که گرچه قبل از تألیف جامع عباسی رساله دیگر توسط مرحوم ایقاله شیخ عبدالعالی فرزند محقق (م ۹۹۳ هـ. ق) و شهید قاضی نورالله شوشتری (ق. ۱۰۱۹ هـ. ق)

نویسه شده است، لیکن هیچیک از این دو رساله، امتیازات فقهی کنونی را ندارد، بلکه اولی تنها مربوط به احکام



رساله به خط مؤلف، مورخ ۱۰۴۱ در کتابخانه سید علیرضا ریحانی یزدی، و میکروفیلم آن به شماره ۳۷۳۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

### ■ دیگر رساله‌های مرحله چهارم

در این دوره، رساله‌های متعددی نوشته شده که به ترتیب متذکر می‌شویم:

• رساله عملیه مرحوم آیت الله ملامحمد باقر سبزواری (م ۱۰۹۰ هـ. ق) که به فارسی نوشته شده، و در مقدمه آن پارامی از مباحث اصول دین و مسأله لزوم تقلید را ذکر کرده و در ابواب کتاب احکام ضروری عبادی را آورده است.

• مناسک حج مرحوم سبزواری به زبان فارسی و در سال ۱۱۰۴ تألیف شد.

• رساله «آداب الصلوة» مرحوم علامه مجلسی دوم (۱۰۳۷-۱۱۱۰/۱ هـ. ق). این رساله نیز به زبان فارسی نوشته شده و مسائل مربوط به طهارت و

نماز را در بردارد و به سال ۱۳۸۱ چاپ شده است. در مقدمه رساله مزبور مقداری از مباحث اصول عقاید و در خاتمه آن مسائل دماء ثلاثه (حیض و نفاس و استحاضه) آمده است.

• رساله آداب تجهیز الاموات علامه مجلسی که به زبان فارسی و مشتمل بر مباحث ذیل است: آداب احتضار، آداب غسل، آداب تکفین، بیان نماز میت و آداب تدفین.

مرحوم علامه تهرانی در صفحه ۱۴ جلد اول الذریعه از این کتاب به عنوان تجهیز الاموات نام می‌برد و در صفحه ۲۹۴ به عنوان احکام الاموات. نسخه این رساله در کتابخانه سید مصطفی حسینی به خط عبدالمجید مورخ ۱۰۹۹ موجود است.

• رساله حدود و تعزیرات علامه مجلسی که در سال ۱۱۰۲ تألیف شده و به سال ۱۲۶۲ در هندوستان به چاپ رسیده است. جالب آنکه این کتاب به طرز بی سابقه‌ای احکام فوق را در قالب سه هزار بیت شعر در بر دارد، و شامل دو بخش است: بخش اول در حدود و تعزیرات است که هشت باب دارد، و بخش دوم در مسائل قصاص و دیات است که دو مطلب اساسی را دنبال می‌کند. نسخه خطی این رساله در کتابخانه مسجد جامع کوه رشاد مشهد موجود است. (۱۳)

• رساله فارسی دیگری از علامه مجلسی در سه فصل: زکات، خمس، و اعتکاف. ■

• مناسک حج اثر علامه مجلسی شامل واجبات و برخی از مستحبات حج و عمره.

• دو مناسک حج دیگر از علامه مجلسی که تمامی اعمال حج را در یکی یا هفتصد بیت و در دیگری با هزار بیت شعر بیان کرده است. (۱۴)

از مرحوم علامه مجلسی رساله‌های دیگری هم در باب عقد نکاح و منته و نذر و غیره موجود است که در ضمن آثار او مذکور می‌باشد.

• رساله‌های مرحوم آیت الله شیخ سلیمان ماحوزی به (۱۰۷۵-۱۱۲۱ هـ. ق) مؤلف کتابهای بلفه و معراج رساله‌هایی در باب نماز و اوقات آن، و جوب عینی نماز: مناسک حج دارد.

• در سال ۱۱۴۰ رساله‌ای نوشته شده بسیار نفیس و پر حاوی فروع فراوانی در فقه از باب طهارت تا دیات، اما از آنجا صفحه اول رساله مفقود شده مؤلف آن معلوم نیست. (۱۵)

• رساله فارسی مرحوم آیت الله ملامهدی نراقی کاشانی (م ۱۱۰۰ هـ. ق) در ابواب عبادات، از وی رساله‌ای نیز در مناسک موجود است که در کتاب «نجوم السماء» از آن تمییز «و المناسک المکیة» نموده است.

• رساله «بغیة الطالب فی معرفة المفروض والواجب» اثر آیت الله شیخ جعفر کاشف الغطاء (م ۱۲۲۷/۸ هـ. ق) از وی دیگری پیرامون مسائل تقلید و ابواب عبادات به دست آمده مرحوم تهرانی معتقد است که ایشان رساله‌ای نیز در مناسک تألیف کرده است. (۱۶)

• رساله عملیه مرحوم آیت الله شیخ مبارک احسانی (م ۱۲۲۶ هـ. ق) که در کتاب انوار البدرین ذکر شده است.

• رساله عملیه مرحوم آیت الله شیخ محسن فیض کاشانی (م ۱۲۰۰ هـ. ق) صاحب کتاب وافی.

• رساله «وسیلة النجاة» مرحوم آیت الله ملا محمد نراقی کاشانی (م ۱۲۴۴/۵ هـ. ق) که ابواب طهارت، نماز، زکات، خمس، اطعمه و شرابه و صید و ذیابحه را در بر دارد، و در دو قطع به رسیده است. از ایشان رساله دیگری نیز به نام «ذخیره الا برار منتخب انیس التجار» موجود می‌باشد.

• رساله «زهر الریاض» راه نجات مرحوم آیت الله سید طباطبائی (۱۱۶۱-۱۲۳۱ هـ. ق) مؤلف ریاض المسائل. این رساله به زبان فارسی نوشته شده است.

• رساله عملیه مرحوم آیت الله شیخ اسماعیل دزفولی کاظمه (۱۲۴۷ هـ. ق). (۱۷)

• رساله فارسی «قلادة العوام فی تقلید الاحکام» اثر مرحوم آیت الله سید محمد طوسی که مشتمل است بر ابواب عبادات - بجز حج - و در سال ۱۲۳۹ هـ. ق تألیف شده است.

• رساله فارسی مرحوم آیت الله سید محمد مجاهد (م ۱۲۴۲ هـ. ق) فرزند صاحب ریاض.

• رساله فارسی مرحوم آیت الله میرزا یوسف طباطبائی تبریزی (م ۱۲۴۲ هـ. ق) که در مقدمه آن مباحث اصول دین را متذکر و در متن کتاب علاوه بر ابواب طهارت و صلوة و صوم و اعتکاف

خمس، باب امر به معروف و نهی از منکر را نیز آورده

۱) عملیه مرحوم سید عبدالله شبر (۱۲۴۲ ه. ق.) مشتمل بر عبادات.

۲) عملیه مرحوم شیخ محمد تقی تهرانی (م ۱۲۴۸ ه. ق.) حاشیه بر معالم.

۳) عملیه مرحوم آیت الله سید کاظم رشتی (۱۲۵۴ ه. ق.).

۴) عملیه صاحب الفصول آیت الله مرحوم شیخ محمد حسین (۱۲۵۵ ه. ق.) که در کتابخانه صدر در نجف اشرف و تهرانی راه نسخه آن موجود است.

۵) فارسی «ارشادالمسترشدین فی معرفهالضروری من دین» اثر مرحوم آیت الله محمد ابراهیم کلیاسی اصفهانی (م ۱۲۵۵ ه. ق.) بخشی از این کتاب شامل باب طهارت تا آخر باب در ضمن نسخهای در کتابخانه سید مهدی صدر موجود است.

۶) در سامراء است که شامل نسخه فوق و اضافاتی از باب آخر کفارات می باشد.

۷) فارسی «نخبه» مرحوم کلیاسی که بنا به گفته نوّه او در در التمام، وی این رساله را از ارشادالمسترشدین استخراج و سپس آنرا با قلمی روان و عباراتی سلیس و ساده و جذاب و مورد پسند تنظیم نموده و در دسترس مقلدین از داده است.

۸) باره مشخصات این رساله تذکر چند نکته لازم است:

۱- این رساله مشتمل بر همه ابواب عبادات- به استثنای جهاد- است.

۲- رساله «نخبه» همانطوری که در زمان مؤلف اهمیت داشت، پس از درگذشت او نیز از اهمیت آن کاسته نشد، بواره توجه همه مراجع تقلید را به خود جلب کرد، و به دلیل آنها با نوشتن حاشیه بر این رساله و بیان مواضع فتوی، رساله عملیه خود را تنظیم می نمودند. از بزرگان این حاشیه نوشتن عبارتند: آیت الله میرزای دوم محمد تقی (م ۱۳۳۹ ه. ق.)، مرحوم سید اسماعیل صدر (م ۱۳۳۷ ه. ق.) و مرحوم سید محمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ ه. ق.) و آیت الله شیخ فضل الله نوری (م ۱۳۲۷ ه. ق.)

۳- متن این رساله برای نخستین بار بدون حاشیه در اصفهان

۱۲۴۶ و در تهران بسالهای ۱۲۵۴ و ۱۲۸۱ چاپ شد و حاشیه مرحوم شیخ اعظم انصاری در سال ۱۲۶۷ و آنگاه به مجدد شیرازی در سال ۱۲۸۹ و سپس در تهران بسال ۱۳۰۰ حاشیه شیخ انصاری و میرزای شیرازی بچاپ رسید.

در لکنه به سال ۱۲۹۹ با حواشی آخوند خراسانی و سید صدر و سید محمد کاظم یزدی و میرزا محمد تقی چاپ شد. و در تهران به سال ۱۳۰۰ بدون حاشیه و در سال ۱۳۰۶ با حاشیه شیخ اعظم انصاری و میرزای

و در سال ۱۳۰۷ با حاشیه شیخ اعظم انصاری و سید اصفهانی، سید حسین کوه کمرای، میرزا حسین خلیلی، مال افجهای، میرزا حسن آشتیانی و سید اسماعیل صدر و

در سال ۱۳۱۲ با حاشیه حاج میرزا حسین نجفی منتشر شد. و در تهران بدون حاشیه به سال ۱۳۱۰، ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ و در بمبئی بسال ۱۳۱۱ بدون حاشیه و بسال ۱۳۱۸ با حاشیه میرزا ابراهیم محلاتی شیرازی و سید محمد کاظم یزدی چاپ شد.

۴- در تهران بسال ۱۳۲۳ بدون حاشیه و سپس در سال ۱۳۲۶ با حواشی سید محمد کاظم یزدی و میرزا محمد تقی شیرازی و باز در همان سال با حواشی آخوند خراسانی و میرزا محمد تقی شیرازی منتشر گردید.

۵- مختصر همین رساله برای نخستین بار در تهران به سال ۱۳۲۷ در ۱۳۰ صفحه و نیز در تهران بسال ۱۳۰۵ بدون شماره صفحه و بی تاریخ ضمن مجموعه ۷ رساله ۲۲۹ صفحه ای که ۸۸ صفحه آن نخبه است به چاپ رسید.

۶- مرحوم آیت الله شیخ عبدالحسین تهرانی شیخ المعراقین پس از بیان مواضع اختلاف و ارائه فتوای خود در سال ۱۲۸۵ آن را به نام خود چاپ کرد، و در سال ۱۲۶۹ مرحوم آیت الله ملا محمد باقرین مهدی گیلانی ابواب طهارت و نماز و روزه رساله مزبور را با فتاوی خود بچاپ رسانید. (۱۹)

۷- متن رساله مزبور با بیان فتاوی مرحوم سید ابوالحسن کشمیری (م ۱۳۱۳ ه. ق.) به زبان اردو در هندوستان چاپ شد.

۸- رساله عملیه مرحوم آیت الله شیخ حسن کاشف الغطاء (م ۱۲۶۲ ه. ق.) صاحب کتاب انوار الفقاهاه که در سال ۱۲۵۵ تألیف شده. رساله عملیه آیت الله سید ابراهیم قزوینی (م ۱۲۶۲) صاحب ضوابط الاصول که در کتابخانه مدرسه میرزای شیرازی در سامرا موجود است و مناسک حج او که در اصفهان بسال ۱۲۶۵ بچاپ رسید.

۹- رساله عملیه مرحوم آیت الله سید محمد حسینی زنجانی (م ۱۲۶۹ ه. ق.)

۱۰- رساله عملیه مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم حسینی (م ۱۲۷۰ ه. ق.) که به سال ۱۳۶۲ چاپ شد.

۱۱- رساله «نجات العباد فی یوم المماد» اثر شیخ الفقهاء و امام المحققین حضرت آیت الله شیخ محمد حسن نجفی (۱۱۹۲/۱۲۰۰-۱۲۶۶ ه. ق.) مؤلف موسوعه ارزشمند «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام» رساله «نجات العباد» مجموعه ای بسیار گیرا و نفیس و گرانسنگ است که نکات فقهی فراوانی در بر دارد. به همین جهت از زمان تألیف آن در اواخر مرحله چهارم تاکنون کسه دوره

ششم است پیوسته مورد عنایت و توجه فقهای اسلام بوده و در محافل علمی و جلسات استفتاء مورد استفاده قرار می گرفته است. این رساله به قدری متنق و متین نوشته شده بود که وقتی مقلدین از شیخ اعظم انصاری تقاضای رساله عملیه می کردند، وی آنها را به این رساله ارجاع می داد، البته مرحوم شیخ انصاری در چند مورد که با مرحوم صاحب جواهر اختلاف فقهی داشت خود توضیح داده و فتوای خویش را ذکر کرده بود.

در مورد این رساله تذکر چند نکته ضروری است:  
۱- مرحوم صاحب جواهر این رساله را از کتاب بزرگ خود «جواهر الکلام» استخراج کرد، و آنرا با عبارات عبری ساده و

روان، و با بیانی گویا و بدون ابهام و با اسلوبی شیوا و پسندیده تنظیم نمود و پس از چاپ در دسترس مقلدین عربی زبان خود قرار داد.

۲- متن این رساله بدون حاشیه در تهران بسالهای ۱۲۶۲، ۱۲۷۹، ۱۳۰۰، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۸، ۱۳۲۱، و ۱۳۲۴ و در بمبئی بسال ۱۳۱۸ چاپ شد.

۳- مرحوم علامه تهرانی می گوید: همه علمای متاخر، بر این رساله حاشیه نوشته اند که نخستین فرد، شاگرد وی مرحوم شیخ اعظم انصاری (م ۱۲۸۱ هـ ق) بود، و پس از او شاگردانش سید مجدد شیرازی (قدس سره) و آیتالله سیدحسین کوه کمرهای و آیتالله شیخ راضی فقیه و آیتالله ملامحمد تقی هروی، این عمل را ادامه دادند و در سال ۱۳۱۴ با حاشیه شیخ اعظم انصاری و میرزا مجدد شیرازی به چاپ رسید. این کار استمرار یافت تا اینکه سید محمد کاظم یزدی رساله «عروه الوثقی» را نوشت، اینجا بود که رساله وی جای نجاة العباد را گرفت، و فقها و مراجع شروع به تحشیه آن نمودند. مهمترین سبب این تحول روانتر بودن عبارات عروه بود. و از جمله کسانی که بر «نجاة العباد» حاشیه نوشته است مرحوم سیدحسن صدر است (م ۱۳۵۴ هـ ق)، مرحوم آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹)، مرحوم سیدمحمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷)، مرحوم حاج میرزا خلیل تهرانی (م ۱۲۸۰) و مرحوم شیخ محمد حسین نائینی (م ۱۳۵۵).

۴- علامه تهرانی در جای دیگر می گوید: در زمان حیات صاحب جواهر، رساله وی به فارسی ترجمه شد تا مقلدین فارسی زبان او نیز بتوانند از کتاب او استفاده کرده و طبق فتوای او عمل نمایند، و در پی ترجمه این اثر شرحهای زیادی بر آن نوشته شد. (۲۱)

۵- این رساله سه نوبت به چاپ رسیده است. یک بار همه ابواب عبادات و معاملات آن، یک بار باب عبادات و بخشی از معاملات و بار دیگر تنها ابواب عبادات آن. غالب حواشی تعلیقات بردو چاپ نخست نوشته شده است.

• رساله «هدایة الناسکین» صاحب جواهر در مسائل حج وی همچنین رسالهای در باب دماء ثلاثه و رساله مختصری پیرامون ارث دارد.

• رساله نخبه مرحوم آیتالله سیدعلی تقی دلدار (م ۱۳۳۱ هـ ق) که برای نخستین بار در هند بسال ۱۳۱۴ چاپ شد.

• رساله ذخیره المعاد فی تکالیف العباد مرحوم آیتالله شیخ زین العابدین بابلی (بارفروشی) مازندرانی (م ۱۳۰۹ هـ ق).

• رساله هزار مساله مرحوم آیتالله شیخ محمدعلی ثقفی الاسلام اصفهانی (م ۱۳۱۸ هـ ق).

• رساله «منهج الرشاد» مرحوم آیتالله شیخ جعفر شوشتری (م ۱۳۰۳ هـ ق) این رساله، رسالهای است ارزنده و گرانبها که چه در زمان خود او و چه بعد از آن دارای اهمیت خاصی بوده است.

مرحوم آیتالله آخوند خراسانی و مرحوم آیتالله شیخ حسین انصاری (برادرزاده و داماد شیخ اعظم انصاری) و آیتالله شیخ محمدرضا معزی دزفولی بر آن حاشیه نوشته اند.

• رساله مجمع الرسائل تألیف شوشتری که مرحوم سید اسماعیل صدر، آخوند خراسانی، طباطبائی یزدی، شیخ عبدالله مازندرانی، سید بروجردی و شیخ محمدحسین کاشف الغطاء بر آن حاشیه دارند.

• رساله فارسی «مجمع المسائل» اثر مرحوم شیخ جعفر ش آیتالله بروجردی بر آن حاشیه دارد. این رساله در بروجرده شده و در کتابخانه جامعه النجف موجود است.

• رساله عملیه آیتالله سید ابوالقاسم حسینی (م ۱۲۷۱ هـ ق) بسال ۱۲۶۲ چاپ شده.

• رساله «کفایة الطالبین لاحکام الدین» نوشته مرحوم شیخ حولاوی (م ۱۲۷۲ هـ ق) (۲۲)

• رساله مرحوم آیتالله شیخ محمدبن علی کاشف الغطاء طهارت و نماز.

وی رساله دیگری در باب دماء ثلاثه و احکام جنازور در باب روزه و نیز رسالهای در مناسک حج دارد که بتاریخ نوشته شده است (۲۳).

• رساله منتخب الرسائل العملية نوشته آیتالله سید اسدالله (م ۱۲۹۰ هـ ق)

• رساله انبیه من الاحکام الشرعية للمولی علی تهرانی (م ۱۲۸۰ هـ ق)

• رساله مصباح الهدایه آیتالله محمد طاهر دزفولی (م ۱۲۸۵ هـ ق)

در شماره آینده نیز دور پنجم از ادوار کیفیت بیان فقه طلایدار آن شیخ اعظم انصاری و دور حاشیه نویسی بررسی پیشین بشمار می آید بررسی و مباحثی به عنوان مقدمه در با تعیین تقلید از علم، در ادوار کیفیت بیان فقه و بیان مفهوم علمیت و تحریر ادله بر تعیین تقلید از علم و دادن رسا از کسانی که می توانند علم را شناسائی کنند و بسیار و ارزش رساله های عملیه و نواقص آنها از نظر نگارنده و مفهوم حاشیه و تعلیقه، خواهد آمد. انشاءالله تعالی.

۱. المحاسن برقی ج ۱، ص ۲۲۹.
۲. المحاسن برقی ج ۱، ص ۲۲۹.
۳. سفینه البحار ج ۱، ص ۶۸۰.
۴. المحاسن برقی ج ۱، ص ۲۲۸.
۵. المحاسن برقی ج ۱، ص ۲۲۹.
۶. وسائل الشیعه ج ۱۸، باب یازدهم از ابواب صفات قاضی، حدیث ۲۳.
۷. مصدر سابق، حدیث ۱۵.
۸. مصدر سابق، حدیث ۲۷.
۹. مصدر سابق، حدیث ۳۴.
۱۰. الذریعه ج ۵، ص ۶۵.
۱۱. الذریعه ج ۱۶، ص ۲۹۴.
۱۲. الذریعه ج ۱۶، ص ۲۹۷.
۱۳. فهرست کتابخانه مسجد گوهرشاد، ص ۱۰۷.
۱۴. الذریعه ج ۲۲، ص ۲۱۳.
۱۵. الذریعه ج ۱۱، ص ۲۱۳.
۱۶. الذریعه ج ۳، ص ۱۳۳.
۱۷. الذریعه ج ۳، ص ۲۱۳.
۱۸. الذریعه ج ۱۱، ص ۲۱۹.
۱۹. الذریعه ج ۲۴، ص ۹۰ و ۹۱.
۲۰. الذریعه ج ۶، ص ۲۲۷.
۲۱. الذریعه ج ۶، ص ۱۰۰.
۲۲. الذریعه ج ۱۸، ص ۹۳.
۲۳. الذریعه ج ۲۲، ص ۲۲۷.